

معرفی سبک فرزندپروری بامریند و ارزیابی آن

بانگاهی به گزاره‌های اخلاقی - اجتماعی اسلامی*

□ علی احمد پناهی^۱

چکیده

یکی از مؤلفه‌های اساسی در گستره و موضوع تربیت فرزند، سبک فرزندپروری والدین است. پژوهش حاضر، از تحقیقات کیفی است و با روش تحلیل محتوا، ضمن معرفی سبک فرزندپروری بامریند، به برخی نقاط قوت و ضعف آن، با نگاهی به آموزه‌های اسلامی پرداخته است. با تتبع و ژرف‌اندیشی در گزاره‌های اسلامی، می‌توان استنباط کرد که سبک فرزندپروری بامریند، علی‌رغم امتیازات و جامعیت نسبی (به ویژه در سبک مقتدارانه) که دارد، دارای نقاط ضعف چندی است. سؤال اساسی این است که سبک فرزندپروری مبتنی بر گزاره‌های اسلامی، دارای چه ویژگی‌هایی است که در دیگر سبک‌های فرزندپروری و به ویژه، در سبک فرزندپروری دایانا بامریند مورد توجه نبوده و یا کم‌رنگ است. امتیازات و نکات برجسته‌ای که می‌تواند در اتقان، جامعیت و افزایش گستره شمولی نظریه سبک فرزندپروری، حایز اهمیت باشد و این نکات به گونه‌های مختلف، در گزاره‌های اسلامی و در رابطه با سبک فرزندپروری وجود دارد و در سبک فرزندپروری بامریند، بسیار کم‌رنگ بوده و یا ملاحظه نشده است. این نکات عبارتند از: بی‌توجهی به ظرفیت‌ها و تفاوت‌های فرزندان، غفلت از اصل

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۴/۰۳ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۷/۲۱.
۱. عضو هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه (apanahi@rihu.ac.ir).

جامع‌نگری، ناهمترازی بین تقاضا و کنترل، عدم ملاحظه جنبه‌های معنوی و عبادی در اهداف فرزندپروری، عدم توجه به تقویت خودکنترلی و پرهیزکاری در فرزندان و عدم توجه به هنجارهای متافیزیکی و الهی و

واژگان کلیدی: سبک فرزندپروری، بامریند، اصل جامع‌نگری، همترازی تقاضا و کنترل، تفاوت‌های فردی، اهداف متافیزیکی.

مقدمه

فرزندپروری گونه‌ای از ارتباط والد - فرزندی است که شامل باورها، اصول، روش‌ها و رفتارهای ویژه می‌شود و عاملی مؤثر در شکل‌گیری رفتارهای درونی‌شده و برونی‌شده فرزندان است (بامریند^۱، ۱۹۹۱). استرنبرگ^۲ (۲۰۱۱) سبک فرزندپروری را، چگونگی ترجیحات یک فرد برای توصیف پرورش و تربیت فرزند معرفی کرده است. ایشان، بر این باور است که سبک فرزندپروری، مترادف با توانایی نیست، بلکه روش‌های بکارگیری توانایی‌ها در حوزه تربیت فرزند است. زانگ^۳ (۲۰۱۱) معتقد است، همان‌گونه که برای اداره جامعه، راه‌های مختلفی وجود دارد، برای مدیریت و کنترل فعالیت‌های فرزندان هم، راه‌های گوناگونی وجود دارد و این راه‌های متفاوت برای مدیریت و تربیت فرزند را، سبک فرزندپروری گویند. به عبارت دیگر، سبک‌های فرزندپروری، روش رجحان یافته یا غالب والدین در بکارگیری توانایی‌های خویش در پرورش فرزند است. منظور از سبک فرزندپروری در پژوهش حاضر، منظومه‌ای از بازخوردها (کنش و واکنش‌ها)، نوع تعامل والدین نسبت به فرزندان، نگرش والدین به فرزندان و کیفیت ارتباط والد - فرزندی در ساحت‌های مختلف که در مجموع، یک فضای هیجانی - شناختی را در تعامل والدین با فرزندان و در رفتارهای ابرازی والدین با فرزندان رقم می‌زند، می‌باشد.

پژوهشگران و اندیشمندان مختلف، بر اهمیت شیوه فرزندپروری در تحوّل اخلاقی،

1. Baumrind, D.

2. Sternberg, J. R

3. Zang, R. B

تربیتی و شخصیتی فرزندان اذعان دارند. هان^۱ (۲۰۰۶) سبک‌های فرزندپروری والدین، نگرش والدین به جایگاه فرزند در ساختار خانواده و مدل تعامل والدین با فرزندان را، از عناصر حایز اهمیت و اساسی در تربیت فرزندان تلقی می‌کند. بورنستین^۲ (۲۰۰۲) فرزندپروری را، اساسی‌ترین مرحله در فرآیند پرورش، اجتماعی کردن و انتقال ارزش‌های فرهنگی و اخلاقی و ایده‌آل‌های والدین به فرزندان می‌داند. مهم‌ترین نقش والدین و مربیان در گستره و فرآیند فرزندپروری، آموزش، تربیت، راهنمایی، کنترل و تعامل مناسب با فرزندان است. رفتارهای درونی‌سازی‌شده^۳ و برونی‌سازی‌شده^۴ فرزندان و به خصوص در دوره کودکی، تحت تأثیر عناصر مختلفی است که سطح و کیفیت تعامل والدین و انتظارات آنان از فرزندان، مهم‌ترین عنصر می‌باشد (ویلیم شارست^۵، ۲۰۰۵). اختلال در رفتارهای برونی‌سازی‌شده فرزندان، پیامدهای منفی بسیاری در پی دارد (دنیتا و همکاران^۶، ۲۰۰۵). آشنایی و التزام والدین به روش‌های فرزندپروری صحیح، باعث شکل‌گیری رفتارهای درونی‌سازی‌شده و برونی‌سازی‌شده مناسب در فرزندان می‌گردد (ویلیم شارست، ۲۰۰۵). آشنایی والدین با سبک‌های فرزندپروری صحیح، می‌تواند زمینه بسیاری از ناهنجاری‌ها را سد نماید. سبک فرزندپروری والدین، از مهم‌ترین عوامل رشد و تحول روانی - اجتماعی فرزندان می‌باشد (گالارین و آلونسو^۷، ۲۰۱۲ به نقل از سیفی گندمانی و همکاران، ۱۳۹۲). گزاره‌های اسلامی، تأکید فراوانی بر اهمیت نقش تربیتی و والدگری دارند^۸ (کلینی، ۱۴۰۷، ۵۱/۶).

در متون اسلامی، اصول، ضوابط و روش‌های فرزندپروری، به‌طور ضمنی و صریح بیان شده است. فرزندپروری از چشم‌انداز اسلامی، کنشی پیچیده و چند بُعدی که

1. Han, Y. S

2. Bornstein, M

3. internalizing

4. externalizing

5. Wilmshurst, L

6. Denita, M. R

7. Gallarin, M. , & Alonso, A

۸. «الزُّمُّوا أَوْلَادَكُمْ وَأَحْسِنُوا آدَابَهُمْ، فَإِنَّ أَوْلَادَكُمْ هَدِيَّةٌ إِلَيْكُمْ»؛ مراقب کودکان خود باشید و آنها را خوب تربیت کنید، چون آنها هدیه‌ای هستند از جانب خداوند برای شما.

مشمول بر رفتارها، زمینه‌سازی‌ها، آموزش‌ها، تعامل‌ها و روش‌هایی است که به‌طور مجزا و در تعامل با یکدیگر، بر رشد شناختی، معنوی، عاطفی، اخلاقی و رفتاری افراد تأثیر گذاشته و کنش‌های افراد را در ابعاد فردی و اجتماعی، تحت تأثیر قرار می‌دهد. از چشم‌انداز اسلامی، مسئولیت اولیه و گستره وسیعی از سهم فرزندپروری، معطوف به والدین است. در گزاره‌های اسلامی، مضافاً بر اینکه تربیت فرزند، از وظایف والدین تلقی شده^۱ (نوری، ۱۴۰۸، ۲/)، بر لزوم بهره‌گیری والدین از سبک‌های فرزندپروری مناسب و مفید نیز، تأکید شده است^۲ (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ۲۶۳).

در گزاره‌های اسلامی، سعادت و موفقیت فرزندان را در گرو سعادت، موفقیت و تلاش والدین در راستای تربیت نیکوی فرزندان دانسته و مصونیت از ابتلا به نابهنجاری‌های روانی، اخلاقی، شخصیتی و اجتماعی فرزندان و نسل‌های بعدی آنان را، به نوع عملکرد آموزشی و تربیتی والدین منوط دانسته است^۳ (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۵/). سبک‌های مختلفی در راستای فرزندپروری مطرح شده، که برخی از آنها (از جمله سبک فرزندپروری بامریند)، از جامعیت و اتقان نسبی بیشتری برخوردار است.

با تتبع و مطالعه‌ای که در رابطه با پیشینه سبک فرزندپروری، به ویژه با نگاه اسلامی انجام شد، پژوهش جدی در این رابطه مشاهده نگردید، اما به صورت پراکنده و اجمالی در برخی از کتاب‌ها و مقالات، به این بحث پرداخته شده بود. برخی از کتاب و پژوهش‌هایی که به نوعی با بحث سبک فرزندپروری و در موارد محدودی با نگاه اسلامی، مرتبط بودند عبارتند از:

۱. آلبرت باندورا و بیوسی^۴ (۲۰۰۴)، ضمن تأکید بر نقش یادگیری مشاهده‌ای در تحول شخصیت و رفتارهای فرزندان، بر شیوه‌های والدگری و ایجاد رابطه عاطفی - هیجانی صحیح با فرزندان را، از عوامل تعیین کننده در بهبود عملکرد رفتاری فرزندان می‌دانند.

۱. «حَقُّ الْوَلَدِ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ... يَحْسِنَ أَدَبَهُ».

۲. «أَنْتَكَ مَسْئُولٌ عَمَّا وَلَّيْتَهُ مِنْ حُسْنِ الْأَدَبِ وَالِدَلَالَةِ عَلَى رَبِّهِ وَالْمُعُونَةِ لَهُ عَلَى طَاعَتِهِ فَيْكَ...».

۳. «إِنَّ اللَّهَ لَيَفْلَحُ بِفَلَاحِ الرَّجُلِ الْمُؤْمِنِ وَلَدُهُ وَوَلَدَ وَلَدُهُ».

4. Bandura, A., & Bussey, K

۲. فست جیس^۱ (۲۰۰۶) در کتاب خود با عنوان «Theories of personality»، ضمن اشاره به اهمیت تربیت و جایگاه آن، به نقش تعیین کننده سبک‌های فرزندپروری والدین در شکل‌گیری و تحوّل شخصیتی و ویژگی‌های رفتاری فرزندان، اشاره نموده است.

۳. دادستان و همکاران (۱۳۹۲)، در مقاله‌ای تحت عنوان اثربخشی آموزش رفتاری والدین بر کاهش مشکلات برونی‌سازی‌شده کودکان ۷ تا ۹ سال، بر موضوعاتی چون تأثیر عوامل مختلف از جمله سبک فرزندپروری والدین بر رفتارهای درونی‌سازی‌شده^۲ و برونی‌سازی‌شده^۳ فرزندان و برخی از مشکلات مربوط به برونی‌سازی، همانند تعارض با دیگران، پرخاشگری، رفتارهای ضد اجتماعی و هنجارشکنانه، نافرمانی، بی‌نظمی، ناتوانی در مهارگری و آزار کلامی و فیزیکی دیگران، اشاره نموده است. ایشان، همچنین با استناد به پژوهش‌های متعدد، سبک فرزندپروری والدین را یکی از عوامل مهم در شکل‌گیری رفتارهای کودکان، تلقی نموده است.

۴. شکوهی‌یکتا و همکاران، (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «اثربخشی آموزش مهارت حل مسأله بر استرس و سبک فرزندپروری والدین»، ضمن اشاره اجمالی به برخی سبک‌های فرزندپروری، به آثار و فواید آموزش سبک فرزندپروری پرداخته و به اهمیت آگاهی والدین از سبک‌های فرزندپروری نیز، اشاره کرده است.

۵. قدسی و همکاران (۱۳۹۳) در مطالعه‌ای با عنوان «بررسی سبک‌های فرزندپروری با سبک فرزندپروری امام علی (ع) در نامه سی و یکم نهج البلاغه»، به بررسی اجمالی سبک فرزندپروری بامریند پرداخته و با بهره‌گیری از آموزه‌های علوی در نهج البلاغه، به نقد و بررسی اجمالی روش استبدادی، مقتدرانه و سهل‌گیرانه، پرداخته است. در نهایت نیز، روش فرزندپروری مقتدرانه را، نزدیک‌ترین شیوه به شیوه تربیتی امام علی (ع) تلقی نموده است.

1. Feist, Jess and G. J. Feist

2. internalizing

3. externalizing

۶. جان ساتراک (۲۰۱۱) در بخشی از کتاب «Life-span development»، به سبک فرزندپروری دایانا بامریند، به عنوان معروف‌ترین و جامع‌ترین سبک فرزندپروری اشاره نموده و ضمن معرفی روش‌های چهارگانه بامریند (فرزندپروری مستبدانه^۱، فرزندپروری آسان‌گیرانه^۲، فرزندپروری غافلانه^۳ (غفلت‌کننده) و فرزندپروری مقتدرانه^۴)، به نتایج تربیتی این شیوه‌ها در فرزندان نیز توجه نموده است.

۷. بهرامی و همکاران، (۱۳۸۷) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی الگوهای فرزندپروری با سلامت روانی و موفقیت تحصیلی فرزندان»، به بررسی رابطه شیوه‌های فرزندپروری بامریند و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان پرداخته است. ایشان در این مطالعه، به این نتیجه دست یافته که رابطه شیوه تربیتی مقتدرانه و پیشرفت تحصیلی فرزندان، معنادار است و شیوه تربیتی مقتدرانه، باعث افزایش پیشرفت تحصیلی فرزندان می‌گردد و در سایر شیوه‌ها، این رابطه مشاهده نشده است.

۸. پرچم و همکاران (۱۳۹۱)، در مقاله‌ای با عنوان «مقایسه سبک‌های فرزندپروری بامریند با سبک فرزندپروری مسئولانه در اسلام»، به بررسی اجمالی سبک فرزندپروری بامریند پرداخته و آن را با شیوه تربیتی اسلامی مقایسه نموده است.

در پژوهش حاضر، محقق در قدم نخست در پی آن است که به تبیین و معرفی دقیق سبک فرزندپروری بامریند، براساس منابع و مستندات جدید و معتبر بپردازد و در قدم بعدی، ضمن اشاره اجمالی به برخی از نقاط ضعف سبک فرزندپروری بامریند، امتیازات مهم سبک فرزندپروری مبتنی بر آموزه‌های وحیانی و اسلامی را بیان نماید. همچنین، محقق تلاش خواهد کرد نگاهی جامع و گسترده به آموزه‌های دینی داشته باشد و به استقراء ناقص اکتفا ننماید، بلکه تا حد امکان، استقراء کامل و تام در این زمینه داشته باشد.

-
1. authoritarian
 2. permissive
 3. Neglectful parenting
 4. autharitative

الف. سبک فرزندپروری دایانا بامریند

یکی از سبک‌های فرزندپروری که از جامعیت و اتفاق نسبی برخوردار است، سبک فرزندپروری بامریند است. سبک فرزندپروری بامریند، در دسته‌بندی‌ها و گونه‌های مختلف ترسیم و بیان شده که عبارتند از:

۱. گونهٔ مستبدانه^۱ (سخت‌گیرانه)

در روش فرزندپروری مستبدانه، سطح پذیرش، روابط عاطفی و استقلال‌دهی، پایین است و سطح کنترل بسیار بالاست. والدین مستبد، سرد و طردکننده هستند، آنها برای اعمال کنترل فریاد می‌کشند، دستور می‌دهند، عیب‌جویی و تهدید می‌کنند. برای فرزند خود، تصمیم می‌گیرند و انتظار دارند کودکان، تصمیم آنها را بی‌چون و چرا اطاعت کند. نافرمانی و مقاومت کودکان، باعث واکنش تند و همراه با تنبیه از ناحیهٔ والدین می‌گردد. این شیوهٔ تربیتی، سبکی تنبیه‌کننده^۲ و محدودکننده^۳ است؛ کودکان به اطاعت مطلق تشویق و ترغیب می‌شوند. والدین مستبد (سخت‌گیر)، محدودیت‌های جدی برای کودک وضع می‌کنند و توقعات غیر متعارف دارند؛ به کودکان، اجازهٔ تبادل کلامی محدودی می‌دهند. آنها، معمولاً قوانین سخت و فراتر از توان کودکان وضع می‌کنند و توضیحی نیز راجع به قوانین نمی‌دهند و لزومی برای ارائهٔ دلیل نمی‌بینند (سانتراک، ۲۰۱۱، ۲۵۳ و بامریند، ۱۹۹۱). در این سبک تربیتی، اعمال کنترل، بالا و مسئولیت‌پذیری، پایین است. این دسته از والدین، معمولاً دارای ملاک‌های مطلق هستند و استقلال کودک را محدود می‌کنند و خواسته‌های خود را، بی‌قید و شرط بر کودک تحمیل می‌کنند. این والدین تنها، اطاعت فرزند را یک امتیاز و کمال می‌دانند و لذا هنگامی که رفتار و باور فرزندشان با معیارهای آنان ناسازگار باشد، در صدد توییح فرزند بر می‌آیند و او را از حقوق خود محروم می‌کنند. والدین مستبد، علاوه بر کنترل مستقیم ناموجه، به نوع ظریف‌تری به نام کنترل روان‌شناختی نیز می‌پردازند که به

1. authoritarian

2. punitive style

3. restrictive style

موجب آن در ابراز کلامی، فردیت و دل‌بستگی کودکان به والدین دخالت کرده و در آنها دخل و تصرف می‌کنند (باربر، ۱۹۹۶، به نقل از لورا برک، ۱۳۹۴، ۱/۴۸۰-۴۸۳). بهره‌گیری از تنبیه (Punishment) به ویژه تنبیه بدنی در سبک فرزندپروری مستبدانه، فراوانی معناداری دارد (رگالدو و همکاران^۱، ۲۰۰۴).

۲. گونه و روش سهل‌گیرانه

والدینی که از روش فرزندپروری سهل‌گیرانه^۲ استفاده می‌کنند، مهرورز و پذیرا هستند، ولی متوقع نیستند؛ کنترل کمی بر رفتار فرزندان خود اعمال می‌کنند و به آنها اجازه می‌دهند در هر سنی که باشند، خودشان تصمیم‌گیری کنند، حتی اگر هنوز قادر به انجام این کار نباشند. فرزندان آنها، می‌توانند هر وقت که بخواهند غذا بخورند و بخوابند و هر مقدار که دوست داشته باشند تلویزیون تماشا کنند. آنها مجبور نیستند طرز رفتار خوب را یاد بگیرند یا کارهای خانه را انجام دهند. گرچه برخی از والدین آسان‌گیر واقعاً به این روش اعتقاد دارند، بسیاری دیگر به توانایی خود در تأثیر گذاشتن بر رفتار فرزند خود اطمینان ندارند (باربر و اولسن، ۱۹۹۷؛ بامریند، ۱۹۹۱ و ۱۹۹۷، به نقل از لورا برک، ۱۳۹۴، ۴۸۱). والدین سهل‌گیر، به ابراز وجود و خودگردانی بها می‌دهند، آنها خواسته‌چندانی ندارند و به کودکان اجازه می‌دهند تا آنجا که امکان دارد خودشان بر فعالیت‌هایشان نظارت داشته باشند. والدین سهل‌گیر، در تصمیم‌گیری‌ها با کودکان مشورت می‌کنند و به‌ندرت به تنبیه متوسل می‌شوند؛ مهربان، غیر بازدارنده و کم‌توقع هستند. در این مدل تربیتی، فرزندان آزادی کامل دارند و هر چه دلشان بخواهد انجام می‌دهند (پاپالیا، ۱۳۹۱، ۳۲۸). از ویژگی‌های خانواده سهل‌گیر، بی‌توجهی به آموزش رفتارهای اجتماعی است. در این سبک فرزندپروری، پاسخ‌دهی، بسیار بالا و کنترل و انتظارات، بسیار محدود است. والدین سهل، خود را ابزاری برای تحقق آرزوهای فرزندان می‌دانند و نه مسئولی برای شکل دادن و اصلاح رفتارهای فرزندان (کاواباتا^۳، ۲۰۱۱).

1. Regalado & others

2. permissive

3. Kawabata, Y

۳. گونه غافلانه (غفلت کننده)

سبک فرزندپروری غافلانه،^۱ سبکی است که در آن والدین به زندگی و سرنوشت کودک بی‌اعتنا هستند. در این سبک تربیتی، به‌طور عمده، والدین بیشتر به فکر راحتی و لذایت خود هستند و راحتی خود را مهم‌تر از سایر جنبه‌ها می‌دانند. نه قوانینی برای کودک وضع می‌کنند و نه پذیرش عاطفی و اجتماعی وجود دارد. در روش فرزندپروری بی‌اعتنا^۲، پذیرش و روابط بسیار محدود، کنترل ضعیف و بی‌تفاوتی کلی نسبت به استقلال فرزندان وجود دارد. این والدین، اغلب از لحاظ هیجانی جدا و افسرده هستند، به قدری غرق در استرس خانوادگی هستند که وقت و انرژی کمی برای فرزندان دارند. تربیت بی‌اعتنا در حالت افراطی، نوعی بدرفتاری با کودک است که غفلت نامیده می‌شود. در صورتی که این نوع تربیت، زود هنگام شروع شده باشد، تقریباً تمام جنبه‌های رشد، از جمله دلبستگی، شناخت و مهارت‌های هیجانی و اجتماعی را مختل می‌کند (آنولا، استاتین و نورمی، ۲۰۰۰؛ به نقل از لورا برک، ۱۳۹۴، ۴۸۱-۴۸۳).

۴. گونه و سبک مقتدرانه

روش فرزندپروری مقتدرانه^۳، جامع‌ترین، موفق‌ترین و کارآمدترین روش فرزندپروری نسبت به سایر سبک‌های مطرح شده توسط بامریند است. این روش فرزندپروری، پذیرش و روابط نزدیک، روش‌های کنترل سازگارانه، حمایت و انتظارات منطقی و استقلال دادن مناسب را شامل می‌شود. منظور از خانواده مقتدر، خانواده‌ای است که کودکان را به شیوه‌ای که قاطع و اطمینان‌بخش است، تربیت می‌کنند؛ یعنی در این خانواده، روابط والدین صمیمی بوده و هر فردی در جایگاه متناسب خود قرار دارد. در چنین خانواده‌ای، فرزند به استقلال و آزادی فکری تشویق می‌شود و در عین حال، نوعی محدودیت و کنترل نیز از سوی والدین بر او اعمال می‌گردد. کودکان، به استقلال تشویق می‌شوند، اما محدودیت‌ها و کنترل‌هایی نیز وجود دارد. در این

1. Neglectful parenting

2. uninvolved child-rearing style

3. authoritative child-rearing style

خانواده، روابط کلامی زیادی وجود دارد، اظهارنظر برای همه افراد مجاز است، رابطه عاطفی وسیعی در تعاملات کودک با والدین و بین پدر و مادر وجود دارد (سانتراک، ۲۰۱۱، ۲۵۴). گرمی و صمیمیت، اساس برقراری ارتباط است و هر کدام از افراد خانواده، به شیوه‌ای منطقی و عقلانی و در چارچوب اختیاراتشان اظهارنظر می‌کنند. والدینی که این سبک تربیتی را به کار می‌گیرند، توجه عاطفی مثبتی به فرزندان دارند و کنترل نرمالی بر فرزندان دارند و در محدوده توان و شرایط فرزندان به آنان اختیار می‌دهند و مسئولیت واگذار می‌نمایند. این والدین، استقلال متناسب با سن را تشویق می‌کنند و فرزندان را در مسایل شخصی درگیر می‌کنند و اختیارات می‌دهند (کاسترر^۱، ۲۰۰۹).

والدین مقتدر، صمیمی و دلسوز و نسبت به نیازهای کودک حساس هستند. آنها رابطه والد - فرزندی لذت‌بخش و از لحاظ هیجانی، خشنودکننده‌ای را برقرار می‌کنند که کودک را به سمت ارتباط نزدیک می‌کشاند. والدین مقتدر، کنترل قاطع و معقولی را اعمال می‌کنند؛ این والدین بر رفتارهای بهنجار و رفتارهای پخته از ناحیه فرزندان و خویشان تأکید دارند و برای انتظارات خود دلیل می‌آورند. والدین مقتدر، به تدریج و متناسب با ظرفیت کودک به او استقلال داده و به او اجازه می‌دهند در زمینه‌هایی که آمادگی دارد تصمیم بگیرد و دست به انتخاب بزند (لورا برک، ۱۳۹۴، ۴۸۱-۴۸۳). والدین قاطع و اطمینان‌بخش، به فردیت کودک بها می‌دهند، اما بر محدودیت‌های اجتماعی نیز تأکید می‌کنند. آنها مهربان و پذیرنده‌اند، اما در عین حال از فرزندانشان توقع رفتار مناسب دارند؛ در حفظ معیارها قاطعیت دارند و در صورت لزوم و در بافت رابطه صمیمانه و حمایتی، به تنبیه محدود و معقول نیز متوسل می‌شوند. فرزندان این خانواده‌ها، از اینکه می‌دانند هم محبوب هستند و هم به‌خوبی راهنمایی می‌شوند، احساس امنیت می‌کنند و اعتماد به نفس بالایی دارند.

از ویژگی‌های دیگر این خانواده، این است که خانواده بر اساس مشورت و همفکری و پیروی از عقل و مصلحت‌اندیشی اداره می‌شود. یعنی بین والدین و

1. Kusterer

فرزندان، آزادی نسبی حاکم است و در محدوده‌ای از کارها، به فرزندان اختیارات داده شده، ولی تصمیم نهایی با والدین، به‌ویژه پدر است. در این خانواده، فرزندان به راحتی اظهار عقیده می‌کنند و هنرها و مهارت‌های خود را بروز داده و از امنیت روانی برخوردارند (سانتراک، ۲۰۱۱، ۲۵۲-۲۵۳).

ب. ارزیابی سبک فرزندپروری بامریند، با نگاهی به آموزه‌های اسلامی

سبک تربیتی بامریند، علی‌رغم امتیازات و جامعیت نسبی (به‌ویژه در سبک مقتدارانه) که دارد، نقاط ضعف متعددی نیز دارد. برخی از امتیازات و نکات قوت سبک فرزندپروری بامریند، به‌ویژه در سبک مقتدارانه عبارتند از: ۱. از تعامل عاطفی - هیجانی با فرزندان؛ ۲. همفکری با آنان در موضوعات مرتبط با آنان؛ ۳. قاطعیت در اجرای قوانین؛ ۴. رعایت احترام تمام افراد خانواده؛ ۵. حاکم بودن روش عقلانی و عاطفی در تمام جنبه‌ها؛ ۶. تنظیم اساس زندگی بر اساس همکاری و همدلی همه اعضا؛ ۷. معرفی پدر به عنوان ناظر و تصمیم‌گیرنده نهایی. این ویژگی‌ها، به گونه‌های مختلف در گزاره‌های اسلامی نیز مورد اشاره و تأیید قرار گرفته است. برخی از نکات مهم که می‌تواند در اتقان، جامعیت و افزایش گستره شمولی نظریه سبک فرزندپروری حایز اهمیت باشد و این نکات، به گونه‌های مختلف در گزاره‌های تربیتی اسلام وجود دارد و در سبک فرزندپروری بامریند، بسیار کم رنگ بوده و یا از آن غفلت شده است، عبارتند از:

۱. مسئول بودن والدین نسبت به فرزندپروری

در سبک فرزندپروری اسلامی، به دلیل ابتناء بر گزاره‌های وحیانی، تغذیه از معارف ناب و به دلیل مصونیت حداکثری از آزمایش و خطاهای متعارف در علوم تجربی، از اتقان و اطمینان‌آوری بیشتری برخوردار است. گرچه در این عرصه نیز، خطاهای مرتبط با فهم بشری می‌تواند چالش‌برانگیز باشد، اما می‌توان این چالش‌ها را با بهره‌گیری از متدهای متعدّد که برای صحت و سقم گزاره‌های دینی وجود دارد، به حداقل رساند. در چشم‌انداز اسلامی، فرزندپروری یکی از شاخص‌ترین نقش‌های والدین قلمداد شده

و مسئولیت دقیق و خطیری را معطوف به والدین کرده است^۱ (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ۶۲۲/۲). مربی‌گری والدین نسبت به فرزندان، از موضوعاتی است که در گزاره‌های دینی، به‌روشنی به آن تصریح شده است^۲ (نوری، ۱۴۰۸، ج ۲). در تعالیم اسلامی، مصونیت‌بخشی از ابتلا به ناهنجاری‌های روانی، اخلاقی، شخصیتی و اجتماعی فرزندان و نسل‌های بعدی آنان را، با عملکرد آموزشی و تربیتی والدین مرتبط دانسته است^۳ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۵). در گزاره‌های دینی، تلاش شده با مدّ نظر قرار دادن مشوّق‌های مختلف^۴ (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۴۷۶/۲۱)، والدین را نسبت به ایفای نقش فرزندپروری برانگیزانند.

در فرزندپروری مبتنی بر آموزه‌های اسلامی، والدین نهایت تلاش خود را به‌کار می‌گیرند تا فرزندشان نیکو پرورش یافته و اعمال خوب و شایسته انجام دهند^۵ (کلینی، ۱۴۰۷، ۴۸/۶) و باعث زینت، افتخار و آبروی آنها باشند^۶ (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۰، ۲۶۳). احساس مسئولیت و آشنایی با اصول و روش‌های تربیت، از مباحثی است که به‌طور صریح و ضمنی در گزاره‌های اسلامی به آن پرداخته شده و این موضوع، در سبک تربیتی بامریند مطرح نشده و حداقل صراحت ندارد. در گزاره‌های اسلامی، به اهمیت فرزندپروری و مسئولیت خطیر والدین در این عرصه، پرداخته شده است. حضرت علی (علیه السلام) در این باره می‌فرماید: در تربیت^۷ تو شتاب کردم، پیش از آن که دل تو سخت شود، و عقل تو به چیز دیگری مشغول گردد، تا به استقبال کارهایی بروی که صاحبان

۱. «أَمَّا حَقُّ وَلَدِكَ، فَإِنَّ تَعْلَمَ أَنَّكَ وَمُضَافُ إِلَيْكَ فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا بِخَيْرِهِ وَسَرَّهِ، وَأَنَّكَ مُسْتَوْلٌ عَمَّا وَلِيَّتُهُ مِنْ حُسْنِ الْأَدَبِ وَالذَّلَالَةِ عَلَى رَبِّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَالْمُعُونَةِ عَلَى طَاعَتِهِ، فَأَعْمَلْ فِي أَمْرِهِ عَمَلٌ مَنْ يَعْلَمُ أَنَّهُ مُثَابٌّ عَلَى الْإِحْسَانِ إِلَيْهِ، مُعَاقِبٌ عَلَى الْإِسَاءَةِ إِلَيْهِ».
۲. «حَقُّ الْوَلَدِ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ يُحَسِّنَ اسْمَهُ وَيُحَسِّنَ أَدَبَهُ».
۳. «إِنَّ اللَّهَ لَيُفْلِحُ بِفَلَاحِ الرَّجُلِ الْمُؤْمِنِ وَلَدُهُ وَوُلْدُ وَلَدِهِ».
۴. «لَأَنْ يُوَدَّبَ أَحَدُكُمْ وَلَدًا خَيْرٌ لَهُ مِنْ أَنْ يَتَصَدَّقَ بِنِصْفِ صَاعٍ كُلِّ يَوْمٍ».
۵. «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: رَجِمَ اللَّهُ وَالِدَيْنِ أَعَانَا وَلَدَهُمَا عَلَى بَرِّهِمَا».
۶. «فَاعْمَلْ فِي أَمْرِهِ عَمَلُ الْمُتَزَيِّنِ يُحَسِّنُ آثَرَهُ عَلَيْهِ فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا الْمُعَدِّرِ إِلَى رَبِّهِ فِيمَا بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ بِحُسْنِ الْقِيَامِ عَلَيْهِ».
۷. در گزاره دینی، معمولاً از واژه ادب کردن استفاده شده است.

تجربه، زحمت آزمون آن را کشیده‌اند^۱ (نهج البلاغه، خطبه ۳۱، ۳۹۳). حضرت، همچنین درباره لزوم توجه به تربیت فرزند می‌فرماید: تو را جزئی از خود یافتم، بلکه تمام خود یافتم، به‌طوری که اگر چیزی به تو رو آورد، مانند آن است که به من رو آورده است و اگر مرگ تو را دریابد، مانند آن است که مرا دریافته و در اندوه افکند مرا کار تو، به‌طوری که کار خودم مرا در اندوه می‌افکند^۲ (همان، ص ۳۹۱ و ۳۹۲). امام سجاد (علیه السلام)، درباره اهمیت فرزندپروری و جایگاه تربیتی او فرمودند: حق فرزند این است که بدانی جزئی از وجود تو است، در دنیا با هر خیر و شرّی که دارد به تو منسوب است، در حُسن تربیت، راهنمایی و کمک به او در اطاعت از پروردگار، و ایجاد روح فرمان‌برداری در او، مسئولی و در این باره، پاداش یا کیفر داری؛ پس با وی چنان رفتار کن که در دنیا آثار نیک تربیت زیور (و مایه سرفرازی) تو باشد، و (در آخرت) بر اثر انجام وظیفه در پیشگاه خدا معذور باشی (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ۶۲۲/۲).

۲. لزوم هم‌ترازی بین سبک فرزندپروری و ظرفیت‌های فرزندان

یکی از نقاط ضعف اساسی که در سبک فرزندپروری بامریند وجود دارد و یا حداقل به صورت روشن بیان نشده است، عدم توجه به ظرفیت‌های روان‌شناختی، تفاوت‌های فردی، تفاوت‌های جنسیتی، گستره و دوره‌های تحول (کودکی، نوجوانی و جوانی) در فرزندان است. در گزاره‌های اسلامی، توصیه و تأکید شده که باید متناسب با توانمندی افراد و ظرفیت‌های شناختی و ادراکی مرتباً سخن گفت^۳ (مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۲۱/۳). در فرزندپروری اسلامی، والدین ملزم به کُنش بهنجار و هم‌تراز با ظرفیت‌های فرزندان هستند و از انتظارات نامتوازن و رفتارهای نابجا منع شده‌اند (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۱۴/۲۳). پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در این زمینه فرموده‌اند: خداوند رحمت کند کسی را که

۱. «فَبَادَرْتُكَ بِالْأَدَبِ قَبْلَ أَنْ يَغْشَوْ قَلْبُكَ وَيَسْتَعْلِلَ لُبُّكَ، لِيَسْتَقْبَلَ بِحَدِّ رَأْيِكَ مِنَ الْأَمْرِ مَا قَدْ كَفَاكَ أَهْلُ التَّجَارِبِ بُعْيُهُ وَتَجَرِبَتُهُ، فَتَكُونَ قَدْ كُفِّتَ مَثْوَنَةَ الطَّلَبِ».

۲. «وَجَدْتُكَ بَعْضِي، بَلْ وَجَدْتُكَ كُلِّي، حَتَّى كَأَنَّ شَيْئاً لَوْ أَصَابَكَ أَصَابَنِي وَكَأَنَّ الْمَوْتَ لَوْ أَتَاكَ أَتَانِي، فَعَتَانِي مِنْ أَمْرِكَ مَا يَعْنِينِي مِنْ أَمْرِ نَفْسِي».

۳. «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِنَّا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ نَكَلِّمُ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ؛ كَلِّمِ النَّاسَ بِمَا يَعْرِفُونَ».

فرزند خود را در نیکو شدنش یاری دهد. سؤال شد چگونه می‌تواند او را در نیکو شدنش یاری دهد؟ حضرت فرمودند: کاری را که در حد توان او است و انجام داده، از وی بپذیرد و از کاری که انجام دادن آن برایش سخت است، درگذرد؛ او را به کاری بیش از توانش وا ندارد و وی را نادان نپندارد^۱ (کلینی، ۱۴۰۷، ۱۹۹/۶). در گزاره‌های اسلامی، سفارش شده که متناسب با قدرت درک و فهم افراد با آنان سخن بگویید^۲ (مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۲۱/۳؛ کلینی، ۱۴۰۷، ۲۳/۱ و طریحی، ۱۳۷۵، ۱۲۰/۵) و رعایت هم‌ترازی بین ظرفیت ادراکی و روان‌شناختی افراد را، ملاحظه نمایید.

۳. توجه به اصل جامع‌نگری

از نگاه گزاره‌های اسلامی و اندیشمندان مسلمان، انسان از دو ساحت وجودی جسم و روح غیرمادی تشکیل شده است که دارای تأثیری متقابل اند (مصباح یزدی، ۱۳۷۳، ۳۴۹ و دیوانی، ۱۳۷۶، ۶۵-۸۶). یکی از اصول اساسی در فرزندپروری، توجه به ساحت‌های مختلف انسان و از همه مهم‌تر، توجه به گستره زندگی (از تولد تا بزرگسالی) است. برنامه‌های تربیتی باید به گونه‌ای طراحی گردد که شمول و گستره آن، کل وجود انسانی را شامل شود. نکته مهم‌تر اینکه، در فرزندپروری باید به همه نیازهای انسان (مادی، معنوی و روان‌شناختی) عنایت داشت تا زمینه لازم برای تحوّل و رشد بهنجار فرزند مهیا گردد. توجه به نیازهای زیستی و غفلت از نیازهای روحی، همان قدر آسیب‌زاست که توجه صرف به نیازهای روحی و غفلت از جسم و نیازهای مادی در پی دارد. از این رو، بایستی در فرزندپروری هم به ساحت جسمی و هم به ساحت معنوی و روان‌شناختی عنایت داشت. گستره و فرایند فرزندپروری، بسیار وسیع است و زیر ساخت‌های آن، از مرحله انتخاب همسر آغاز می‌شود. فرزندپروری در نگاه اسلامی، فعالیتی پیچیده شامل فرایند همسرگزینی، مراقبت‌های انعقاد نطفه، مراقبت‌های دوره بارداری، مراقبت‌های زیستی (تغذیه مناسب، شرایط زیستی مناسب و...)، مراقبت‌های

۱. «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: رَحِمَ اللَّهُ مَنْ أَعَانَ وَلَدَهُ عَلَى بَرٍّ، قَالَ قُلْتُ كَيْفَ يُعِينُهُ عَلَى بَرٍّ، قَالَ يَقْبَلُ مِيسُورَهُ وَيَتَجَاوَزُ عَنْ مَعْسُورِهِ وَلَا يُرْهِقُهُ وَلَا يَخْرِقُ بِهِ».

۲. «كَلَّمَ النَّاسَ بِمَا يَعْرِفُونَ. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِنَّا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ أُمِرْنَا أَنْ نُكَلِّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ. كَلَّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ».

روان‌شناختی، ملاحظات معنوی - اخلاقی، رفتارها، زمینه‌سازی‌ها، آموزش‌ها، تعامل‌ها و روش‌هایی است که به‌طور مجزا و در تعامل با یکدیگر بر رشد شناختی، معنوی، عاطفی، رفتاری و در ابعاد فردی و اجتماعی تأثیر می‌گذارد. تعامل^۱ میان والدین و فرزندان با روش فرزندپروری آنان، ارتباط دارد و به دلیل انطباق‌های مداومی که در آن صورت می‌گیرد، پدیده‌ای پویا^۲ است. کیفیت تعامل عاطفی و کمیّت آن، متناسب با رشد زیستی و شناختی فرزندان تغییر می‌کند. در گزاره‌های اسلامی، تلاش شده تا نگاهی جامع‌نگرانه به نیازهای انسان بشود و در تأمین نیازها نیز، الگویی بهنجار و معتدل ترسیم گردد. حضرت امام کاظم (علیه السلام) در توصیه‌ای جامع‌نگرانه به تأمین نیازهای مادی، معنوی و روان‌شناختی افراد توجه نموده و می‌فرماید:

سعی کنید شبانه‌روز خود را به چهار قسمت نمائید. یک قسمت برای مناجات با خدا و یک قسمت برای امر معاش و یک قسمت برای معاشرت با برادران و دوستان مورد اعتمادی که عیب‌های شما را گوشزد شما می‌کنند و در باطن به شما علاقه دارند و یک قسمت، برای لذت و بهره‌برداری‌های غیر حرام و با این قسمت، شما قدرت بر سه قسمت دیگر پیدا می‌کنید (مجلسی، ۱۴۰۳، ۳۲۱/۷۵).

در سبک فرزندپروری بامریند، به‌ویژه در سبک مستبدانه و سهل‌گیرانه، به نیازهای واقعی فرزندان و تربیت جامع آنان توجهی نشده و تعاملی غافلانه و یا افراطی و تفریطی اتخاذ شده است.

۴. هم‌ترازی و جهت‌دهی تقاضا و کنترل در راستای مصالح فرزندان

در سبک فرزندپروری بامریند، تمام تلاش والدین در رابطه با خواسته‌های فرزندان و خواسته‌های خویشان است. تمام تلاش‌ها، در راستای این امر است که او را شهروندی بهنجار و همگون با هنجاری‌های اجتماعی تربیت کنند. اما در گزاره‌های اسلامی، مضافاً بر اینکه والدین موظف هستند فرزندان را در یادگیری و نهادینه‌سازی هنجارهای اجتماعی یاری کنند، موظف هستند او را بنده خدا و مطیع اوامر الهی تربیت نمایند. در

1. Interaction

2. Dynamic Phenomena

سبک فرزندپروری اسلامی، به همه ابعاد شخصیت و نیازهای فرزندان توجه شده است و بهروزی اخروی و دنیوی آنان را، توأمان مدّ نظر قرار داده‌اند. یکی از محوری‌ترین و زیربنایی‌ترین موضوعات در فرزندپروری اسلامی، جهت‌دهی و معطوف‌سازی فرزندان به سمت یگانه‌پرستی^۱ (لقمان، ۱۳)، اندیشیدن در عظمت و کبریایی خداوند^۲ (مجلسی، ۱۴۰۳، ۴۰۲/۷۴ و مفید، ۱۴۱۳، ۳۳۶)، دلدادگی به خالق متعال^۳ (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۹۹/۷۴) و برقراری رابطه‌ای محکم و وثیق با خالق هستی و پروردگار عالم است^۴ (سید رضی، تصحیح صبحی صالح، خطبه ۳۱، ۳۹۲). در سبک فرزندپروری بامریند، اشاره و یا تصریحی در رابطه با جهت‌دهی فرزندان، به امور ماورایی و اخروی مشاهده نشده است.

۵. رعایت اعتدال در تأمین آزادی و اختیار فرزندان

توجه به اصل آزادی و اختیار انسان، از موضوعات مهم در فرزندپروری است. در سبک فرزندپروری بامریند و به‌ویژه در سبک سهل‌گیرانه و غافلانه، به فرزندان آزادی افراطی داده شده است به گونه‌ای که آنان مجاز هستند هر رفتاری را مرتکب بشوند. در گزاره‌های اسلامی، ضمن احترام به کرامت و آزادی انسان‌ها، ضوابط و چارچوب‌هایی نیز مشخص شده است. این ضوابط و چارچوب، باعث شده که فرزندان مسئول، بهنجار، دارای عزّت نفس و دارای اعتماد به نفس، پرورش یابند. رسول گرامی اسلام ﷺ فرموده است: فرزندان خود را احترام کنید و آدابشان را نیکو گردانید که مورد بخشش قرار خواهید گرفت^۵ (حرعاملی، ۱۴۰۷، ۴۷۶/۲۱). در این روایت، ضمن تشویق افراد به تکریم فرزندان، به ملازمه تکریم و شکل‌گیری رفتار پسندیده در فرزندان نیز تأکید نموده است.

۱. «وَإِذْ قَالَ لِقْمَانُ لِابْنِهِ وَهُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ، لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ».

۲. «قال علیؑ: ولا عبادة كالتفكير في صنعة الله». لقمان حکیم به فرزندش فرمود: «یا بنی... وأطیل التّفکر فی ملکوت السّماوات والأرض والجبال وما خلق الله، فکفی بهذا واعظاً لقلبك».

۳. «یا بنی، کُنْ لِلَّهِ ذَاكِرًا عَلَى كُلِّ حَالٍ».

۴. «قال علیؑ: فَإِنِّي أَوْصِيكَ بِتَقْوَى اللَّهِ أَيْ بُنَيَّ وَلِزُومِ أَمْرِهِ وَعِمَارَةِ قَلْبِكَ بِذِكْرِهِ وَالِإِغْتِصَامِ بِحَبْلِهِ وَأَيُّ سَبَبٍ أَوْثَقُ مِنْ سَبَبٍ بَيْنَكَ وَبَيْنَ اللَّهِ إِنَّ أَنْتَ أَخَذْتَ بِهِ».

۵. «أَكْرِمُوا أَوْلَادَكُمْ وَأَحْسِنُوا آدَابَهُمْ يَغْفَرْ لَكُمْ».

۶. اصل بهره‌گیری از موعظه

یکی از روش‌های مهم در فرزندپروری و به‌ویژه در راستای تأثیرگذاری بر بزرگسالان، بهره‌گیری از موعظه و نصیحت است. کاربرد این روش، در خصوص دوره بزرگسالی افراد، به دلیل شرایط دانشی و بینشی آنان، فراوانی و تأثیرگذاری بیشتری دارد. موعظه، دارای گستره‌ای همگانی است که به‌طور معمول از ناحیه والدین، مربیان و مصلحان اجتماعی، نسبت به فرزندان و متریان و با هدف ایجاد تغییر در شناخت و رفتار، انجام می‌شود. در روش تربیتی مبتنی بر حکمت، عمدتاً دعوت به سوی اصلاح و راه حق با روش برهان و عقل است، اما در روش موعظه، به قلب و عواطف افراد بیشتر تکیه می‌شود و با رأفت، مهربانی و روشی خردمندانه و عاطفی، افراد را به سوی اعمال و رفتار نیک رهنمون می‌شوند. با کنکاشی که در گونه‌های مختلف سبک فرزندپروری بامریند انجام گرفت، نشانه و قرینه‌ای بر حضور و بهره‌گیری از موعظه، در سبک فرزندپروری بامریند مشاهده نشد. در سبک فرزندپروری اسلامی، به نحو گسترده و در ساحت‌های مختلف از این اصل و شیوه تربیتی، بهره گرفته شده است. از آنجا که این روش، با عواطف انسان سر و کار دارد و به قلب رقت و نرمی می‌بخشد، حوزه تأثیر آن گسترده و عام است و در مورد هر انسانی می‌تواند به کار رود. جرجانی (بی تا، ص ۱۰۴) می‌گوید: موعظه چیزی است که دل‌های سخت را نرم، و چشمان خشک را گریان، و اعمال زشت را اصلاح می‌کند. فراهیدی (۱۴۱۰، ۲/۲۲۸) می‌نویسد: یادآوری دیگران به خیر و مانند آن، به‌روشی که دل را نرم و مستعد پذیرش کند، وعظ است. موعظه کنشی عاطفی، اقناعی، شناختی، خردورزانه، پسندیده، تأثیرگذار، هوشیار کننده و دعوت به نیکی همراه با رقت قلب است. امام علی علیه السلام درباره تأثیر خطبه همام (خطبه تبیین صفات متقین) و قالب تهی کردن و غش نمودن همام بعد از شنیدن خطبه فرمودند: نتیجه اندرهای بلیغ با اهل آن، این گونه است^۱ (کلینی، ۱۴۰۷، ۲/۲۳۰).

موعظه به دلیل مشمول بودن بر ویژگی‌ها و امتیازات منحصر به فرد از قبیل

۱. «هَكَذَا تَصْنَعُ الْمَوْعِظَةُ الْبَالِغَةُ بِأَهْلِهَا».

خیرخواهی، لطافت، نرمی، مصلحت‌خواهی، محرک بودن، همدلانه و دلنشین بودن، تأثیر زیادی در تغییر رفتار افراد دارد. در سبک فرزندپروری (همه گونه‌های آن)، هیچ اشاره‌ای به بهره‌گیری از موعظه که روشی عاطفی، اخلاقی، خردورزانه و روان‌شناختی است نشده و هیچ نشانه‌ای نیز بر این امر وجود ندارد. بهره‌گیری از سبک موعظه‌ای، روشی قرآنی و دارای پیامدهای مثبت و فراوان است، به گونه‌ای که در این روش، مضافاً بر اینکه رابطه عاطفی و اخلاقی بین مربی و مرتبی رعایت می‌شود، تأثیرگذاری تربیتی نیز تحقق پیدا می‌کند.

۷. بهره‌گیری صحیح از عواطف و توجه به آمادگی‌های روان‌شناختی

محبت و تعامل عاطفی، یکی از ابزارهای مهم در تأثیرگذاری است. در سایه محبت است که فرزندان به والدین اعتماد می‌کنند و حرف‌های آنها را می‌پذیرند. حضرت علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: دل‌های مردمان وحشی است، هر کس به آنها الفت جوید، به او روی آورند^۱ (سیدرضی، ۱۴۱۴، ۴۷۷). در گزاره‌های دینی، در راستای تأثیرگذاری بر فرزندان، توصیه به تعامل عاطفی و محبت‌آمیز بهنجار و معتدل شده است^۲ (کلینی، ۱۴۰۷، ۱۶۵).

از چشم انداز گزاره‌های دینی، محبت به فرزندان تشویق شده و پاداش عظیم برای آن ملاحظه شده است^۳ (طبرسی، ۱۳۷۰، ۲۱۹ و ۱۲۰). ابراز محبت به فرزندان را، می‌توان در قالب بوسیدن، بازی کردن با آنان، هدیه دادن و در رعایت عدالت بین فرزندان ابراز نمود. پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله فرمودند: خداوند، دوست دارد که میان فرزندان خود، حتی در بوسیدن آنها به عدالت رفتار کنید^۴ (پابنده، ۱۳۸۲، ۳۰۶). پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله فرمودند: کودکان را دوست بدارید و به ایشان ترحم کنید و اگر به آنها وعده‌ای دادید وفا نمایید، که جز شما برای خود، روزی آوری نمی‌شناسند^۵ (طبرسی، ۱۳۷۰، ۲۱۹). حضرت،

۱. «قُلُوبُ الرِّجَالِ وَخَشِيَّةٌ، فَمَنْ تَأَلَّفَهَا أَقْبَلَتْ عَلَيْهِ».

۲. «لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يَرْحَمْ صَغِيرَنَا وَيُقَوِّرْ كَبِيرَنَا».

۳. «قَبِّلُوا أَوْلَادَكُمْ فَإِنَّ لَكُمْ بِكُلِّ قُبْلَةٍ دَرَجَةٌ فِي الْجَنَّةِ مَا بَيْنَ كُلِّ دَرَجَتَيْنِ خَمْسُمِائَةٍ عَامٌ».

۴. «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُحِبُّ أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ أَوْلَادِكُمْ، حَتَّى فِي الْقَبْلِ».

۵. «أَحْبُوا الصِّبْيَانَ وَأَرْحَمُوهُمْ، فَإِذَا وَعَدْتُمُوهُمْ فَفُوا لَهُمْ، فَإِنَّهُمْ لَا يَرَوْنَ إِلَّا أَنْتُمْ تَرُزُّوْنَهُمْ».

همچنین بی‌عدالتی بین فرزندان را مذمت فرمودند^۱ (طبرسی، ۱۳۷۰، ۲۱۹).

در چشم‌انداز اسلامی، انتظارات والدین از فرزندان در حدّ توان فرزندان است. در تعامل با آنان، متناسب با سن و دوره‌های رشدشان، عواطف نشان می‌دهند؛ آنها را تنبیه بدنی نمی‌کنند و از قهر و اعمال تنبیه‌های سخت و طولانی مدّت پرهیز می‌کنند (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۱۴/۲۳). لزوم ابراز محبت به فرزندان در قالب بازی، بوسیدن، رعایت عدالت بین آنان و پرهیز از زیاده‌روی در سرزنش، از آموزه‌های مورد تأکید در تعالیم اسلامی است^۲ (مجلسی، ۱۴۰۳، ۹۲/۱۰۴). رعایت عزّت و احترام فرزندان^۳ (نوری، ۱۴۰۸، ۶۲۵/۲) و برقراری رابطه عاطفی بین والدین و فرزندان (بر محور تعادل)، توصیه شده است^۴ (مجلسی، ۱۴۰۳، ۹۲/۱۰۴).

در چشم‌انداز اسلامی، والدین نسبت به فرزندان مهربانند و انتظارات بیش از حدّ توان از آنها ندارند^۵ (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۱۴/۲۲). در سبک فرزندپروری بامریند و به‌ویژه در سبک مستبدانه، به نیازهای عاطفی فرزندان توجهی نمی‌شود و با خشونت افراطی با آنان برخورد می‌شود. در روش سهل‌گیرانه نیز، محبت افراطی نصیب فرزندان می‌شود که در هر دو صورت، باعث اختلال در شخصیت و باعث ایجاد چالش در کنش‌های رفتاری فرزندان می‌شود (سانتراک، ۲۰۱۱).

۸. اهمیت به تقویت نیروی خودکنترلی

در سبک فرزندپروری بامریند و به‌خصوص در سبک سهل‌گیرانه و غافلانه، به دلیل آزادی بیش از اندازه و انتظارات اندک از فرزندان، زمینه خودکنترلی، رشد لازم را نداشته و فرزندان قادر نیستند مدیریت بهنجاری بر خویشتن داشته باشند. به همین دلیل، یکی از پیامدهای منفی در سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه و غافلانه این است که

۱. «وَعَنِ النَّبِيِّ ﷺ أَنَّهُ نَظَرَ إِلَى رَجُلٍ لَهُ ابْنَانِ، فَقَبَّلَ أَحَدَهُمَا وَتَرَكَ الْآخَرَ، فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ: فَهَلَا سَاوَيْتَ بَيْنَهُمَا؟ وَقَالَ ﷺ: اَعْدِلُوا بَيْنَ أَوْلَادِكُمْ فِي السَّرِّ كَمَا تُجِبُونَ أَنْ يَعْدِلُوا بَيْنَكُمْ فِي الْبَرِّ وَاللُّطْفِ».

۲. رسول اکرم ﷺ: «أَحْبُوا الصَّبِيَّ وَارْحَمُوهُ».

۳. رسول اکرم ﷺ: «اَكْرَمُوا أَوْلَادَكُمْ».

۴. رسول اکرم ﷺ: «إِعْدِلُوا بَيْنَ أَوْلَادِكُمْ... فِي الْبَرِّ وَاللُّطْفِ».

۵. امام صادق علیه السلام: «... يَتَجَاوَزُ عَنْ مَعْصُورِهِ ...».

این فرزندان در بزرگسالی، به ناهنجاری‌های اخلاقی - جنسی، گرایش زیادی دارند و حتی نمی‌توانند خود را با قوانین اجتماعی سازگار نمایند.

نتایج سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه و غافلانه، فرزندان ناکارآمد، فرزندان با خویشن‌داری ضعیف و با اعتماد به نفس پایین و فاقد مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی می‌باشد. فرزندان این خانواده، معمولاً به دلیل عدم نظارت و تربیت صحیح، به بزهکاری و انحرافات اجتماعی تمایل دارند (سانتراک، ۲۰۱۱، ۲۵۴). در گزاره‌های اساسی و در راستای فرزندپروری و آموزش و تقویت نیروی خودکنترلی (تقویت پرهیزکاری)، توصیه‌های مختلفی وجود دارد. در گزاره‌های اسلامی، به گونه‌های مختلف تلاش شده تا فرزندان، کنترل درونی بیشتری بر رفتار خود داشته و هر کسی، با انجام «خودسنجی» و عطف توجه به کارهای خویش، نسبت به وظایفش آگاه باشد. مراد از خودکنترلی و «خویشنداری» در گزاره‌های دینی، ایجاد حالتی در درون فرد است که بدون وجود کنترلی از سوی عاملی خارجی و با میل و رغبت و بدون تهدید و یا تطمیع دیگران، انسان به انجام وظایف خود متمایل شده و تخلفی در انجام نقش‌های مورد انتظار از وی مشاهده نشود.

این مؤلفه، در آیات و روایات مورد تأکید قرار گرفته است که نتیجه آن، ایجاد حالت کفّ نفس و خودکنترلی در مواقع امکان تعدی و تجاوز به حقوق دیگران و کنترل گُنش‌های رفتاری آنان است. تقویت کنترل درونی در فرزندان و ملکه ذهنی کردن عدم تخطی از هنجارها، باعث می‌شود تا فرزندان (به‌ویژه در نوجوانی و جوانی)، بدون وجود کنترل‌های بیرونی (قانون اجتماعی، پلیس، والدین و غیره)، به خودکنترلی و خویشنداری در شرایط امکان نقض هنجارها، مبادرت ورزند.

خداباوری و اعتقاد به اینکه انسان، تمام کنش‌هایش در محضر خداست و نیز باورداشت اینکه پس از مرگ در سرای آخرت، وی باید پاسخگوی اعمال خود باشد، بهترین عامل در تحقق تقویت کنترل درونی است. این افراد، با قطع نظر از ملاحظه و یا عدم توجه دیگران از رفتارهای ناصواب پرهیز خواهند کرد (ر.ک: الوانی، ۱۳۸۹). اهمیت

این سیستم کنترلی، تا بدان جاست که امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرمایند: بدانید همانا آن کس که خود را یاری نکند و پند دهنده و هشدار دهنده خویش نباشد، دیگری هشدار دهنده و پند دهنده او نخواهد بود^۱ (سیدرضی، ۱۴۱۴، ۱۲۳).

بنابراین، چنانچه عوامل درونی کنترل رفتار، که همانا به کارگیری قوه اندیشه و تفکر، پیش از اقدام به هر کاری است، به کار گرفته نشود، سایر عوامل بیرونی اثر چندانی برای کنترل انسان نخواهند داشت و فاقد نتیجه خواهند بود. به همین دلیل، در گزاره‌های دینی به صورت گسترده با ادبیات و شیوه‌های مختلف، بر تقویت پرهیزکاری و خود کنترلی و محاسبه خویش تأکید شده است. توجه به تربیت خویشتن^۲ (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ۲۰۳)، توصیه به سنجش و حسابرسی از خود^۳ (سیدرضی، ۱۴۱۴، ۱۲۳)، آگاهی دهی نسبت به فواید محاسبه و مضرات غفلت^۴ (سیدرضی، ۱۴۱۴، ۵۰۶)، مراقبت از خواهش‌های نفسانی و مدیریت مطلوب خویشتن و مخالفت با خواسته‌های نفس^۵ (سیدرضی، ۱۴۱۴، ۲۵۱)، از مهم‌ترین توصیه‌هایی است که در رابطه با خودکنترلی توصیه گردیده است.

در آموزه‌های دینی و به‌ویژه در فرمایش علی (علیه السلام)، یکی از فواید خودپایی و مراقبت از خود را، نیل به استواری و خودکنترلی (مدیریت خویش) دانسته و می‌فرماید: ای بندگان خدا، شما را به پرهیزکاری (خودپایی) سفارش می‌کنم، که عامل کنترل و مایه استواری شماست^۶ (سیدرضی، ۱۴۱۴، ۳۰۹). در آموزه‌های دینی و گزاره‌های اسلامی به راهبردها، راهکارها و برخی رفتارهای ضروری و خودپایی‌های رفتاری، در راستای

۱. «اعْلَمُوا أَنَّهُ مَنْ لَمْ يُعَنْ عَلَى نَفْسِهِ حَتَّى يَكُونَ لَهُ مِنْهَا وَعِظٌ وَزَاجِرٌ، لَمْ يَكُنْ لَهُ مِنْ غَيْرِهَا لَا زَاجِرٌ وَلَا وَعِظٌ».

۲. «تَوَلَّوْا مِنْ أَنْفُسِكُمْ تَأْدِيبَهَا وَاعْدِلُوا بِهَا عَنْ ضَرَاوَةِ عَادَاتِهَا».

۳. «عِبَادَ اللَّهِ، زِنُوا أَنْفُسَكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ تُوزِنُوا وَحَاسِبُوا، مِنْ قَبْلِ أَنْ تُحَاسَبُوا».

۴. «مَنْ حَاسَبَ نَفْسَهُ رِيحٌ وَمَنْ غَفَلَ عَنْهَا خَسِرَ، وَمَنْ خَافَ أَمِنْ وَمَنْ اعْتَبَرَ أَبْصَرَ وَمَنْ أَبْصَرَ فَهِمَ، وَمَنْ فَهِمَ عِلِمٌ».

۵. «فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ: كَانَ يَقُولُ إِنَّ الْجَنَّةَ حُفَّتْ بِالْمَكَارِهِ وَإِنَّ النَّارَ حُفَّتْ بِالشَّهَوَاتِ وَاعْلَمُوا أَنَّهُ مَا مِنْ طَاعَةِ اللَّهِ شَيْءٍ إِلَّا يَأْتِي فِي كُرْهِهِ وَمَا مِنْ مَعْصِيَةِ اللَّهِ شَيْءٍ إِلَّا يَأْتِي فِي شَهْوَةٍ...».

۶. «أَوْصِيَكُمْ عِبَادَ اللَّهِ بِتَقْوَى اللَّهِ، فَإِنَّهَا الزَّمَامُ وَالْقَوَامُ».

تحقق خودکنترلی اشاره شده است. ضرورت تسلط بر خویشتن (نفس)^۱ (سیدرضی، ۱۴۱۴، ۴۴۴)، باور بر استواری دژ پرهیزکاری و سستی دژ گناه^۲ (سیدرضی، ۱۴۱۴، ۲۲۱)، ضرورت بازداشتن نفس (خویشتن) از هوس‌های آلوده^۳ (سیدرضی، ۱۴۱۴، ۴۴۷)، لزوم غلبه بر شهوات^۴ (سیدرضی، ۱۴۱۴، ۲۳۱)، کاربست عقل در زمینه خویشتنداری و خودکنترلی^۵ (سیدرضی، ۱۴۱۴، ۲۳۱) و وادار کردن نفس خویش به آنچه خداوند واجب کرده^۶ (سیدرضی، ۱۴۱۴، ۴۹) از راهبردها و راهکارهای تقویت خودکنترلی است. افرادی که منبع کنترل درونی دارند، فکر می‌کنند که مسئول زندگی خودشان هستند و بر اساس آن عمل می‌کنند. کسی که منبع کنترل درونی دارد، معتقد است آنچه بر سرش می‌آید، مثبت یا منفی، ناشی از رفتارش است؛ اما کسی که منبع کنترل بیرونی دارد، عامل‌های بیرونی را و نه کارهای شخصی خود را، دخیل می‌داند (صفاری‌نیا، ۱۳۸۹، ۳۲).

نتیجه‌گیری

از تتبع و بررسی در گزاره‌های اسلامی مربوط به فرزندپروری، می‌توان نتیجه گرفت که:

۱. سبک فرزندپروری بامریند، علی‌رغم امتیازات زیادی که دارد، اما در مقایسه با سبک فرزندپروری اسلامی، به لحاظ روش و محتوا، دارای نقاط ضعف مختلفی است.
۲. در چشم انداز اسلامی، تلاش شده از یک‌سو، والدین را نسبت به تربیت فرزندان مسئول نماید و از سوی دیگر، فرزندان مسئولیت‌پذیر تربیت کند؛.
۳. تقویت نیروی خودکنترلی و تقویت پرهیزکاری، از نکات مهم در سبک

۱. «فَقَمِّلِكَ الْإِخْتِيَارَ».

۲. «اعْلَمُوا عِبَادَ اللَّهِ، أَنَّ التَّقْوَى دَاوْرُ حِصْنٍ عَزِيزٍ وَالْفُجُورُ دَاوْرُ حِصْنٍ ذَلِيلٍ، لَا يَمْنَعُ أَهْلَهُ وَلَا يُحَرِّزُ مَنْ لَجَأَ إِلَيْهِ».

۳. «فَكُنْ لِنَفْسِكَ مَانِعاً رَادِعاً».

۴. «فَاخْذَرُوا عِبَادَ اللَّهِ حَذَرَ الْغَالِبِ لِنَفْسِهِ الْمَانِعِ لِسَهْوَتِهِ».

۵. «فَاخْذَرُوا عِبَادَ اللَّهِ حَذَرَ الْغَالِبِ لِنَفْسِهِ... النَّاطِرِ بَعْقَلِهِ».

۶. «وَإِتَذَلْ نَفْسَكَ فِيمَا افْتَرَضَ اللَّهُ عَلَيْكَ، رَاجِعاً ثَوَابَهُ وَمَتَّحِوفاً عِقَابَهُ».

- فرزندپروری اسلامی است که نقش سازنده‌ای در گُنش‌های رفتاری فرزندان دارد.
۴. برخی از پیامدهای تربیتی که مبتنی بر سبک فرزندپروری بامریند است (مثل تقویت پرخاشگری، عصبیت و افسردگی)، در سبک فرزندپروری اسلامی به دلیل مبانی و اصول خاصی که دارد، کمتر اتفاق می‌افتد.
۵. سبک فرزندپروری بامریند، به دلیل ابتناء بر تجربیات و علوم بشری صرف و بی‌بهره بودن از برخی اصول تربیتی که در آموزه‌های اسلامی وجود دارد، قادر نخواهد بود بهروزی و سعادت افراد را تضمین نماید.
۶. توجه به تربیت معنوی و باورهای دینی در سبک تربیتی بامریند، بسیار کم رنگ است.

کتاب‌نامه

۱. قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۴۱۳)، من لا یحضره الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمی قم.
۳. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، (۱۴۰۴)، تحف العقول عن آل الرسول ﷺ، قم، جامعه مدرسین.
۴. الوانی، سیدمهدی، (۱۳۸۵)، مدیریت عمومی، تهران، نی.
۵. بهرامی، احسان و همکاران، (۱۳۸۷)، بررسی الگوهای فرزندپروری با سلامت روانی و موفقیت تحصیلی فرزندان، مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی، سال ۳۸، شماره ۴.
۶. پاپالیا، دایان ای، (۱۳۹۱)، روان‌شناسی رشد و تحول انسان، ترجمه داود عرب قهستانی و همکاران، تهران، رشد.
۷. پابنده، ابوالقاسم، (۱۳۸۲)، نهج الفصاحه (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول ﷺ)، تهران، دنیای دانش.
۸. پرچم، اعظم و دیگران، (۱۳۹۱)، مقایسه سبک‌های فرزندپروری بامریند با سبک فرزندپروری مسئولانه در اسلام، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، سال بیستم، شماره ۱۴.
۹. جرجانی، علی بن محمد، (بی تا)، التعریفات، تهران، ناصر خسرو.
۱۰. حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البیت علیهم السلام.
۱۱. دادستان، پریخ و دیگران، (۱۳۹۲)، اثر بخشی آموزش رفتاری والدین بر کاهش مشکلات برونی‌سازی‌شده کودکان ۷ تا ۹ سال، مجله روان‌شناسی، شماره ۴.
۱۲. دیوانی، امیر، (۱۳۷۶)، حیات جاودانه، قم، معاونت امور اساتید.
۱۳. سیدرضی، محمد بن حسین، (۱۴۱۴)، نهج البلاغه (للصبحی صالح)، قم، هجرت.
۱۴. سیفی‌گندمانی، محمدیاسین و دیگران، (۱۳۹۲)، سنخ‌شناسی فرزندپروری خانواده (ترکیب فرزندپروری پدر و مادر) و تأثیر آن در گرایش به مواد مخدر در نوجوانان پسر، فصلنامه اعتیادپژوهی، سال هفتم، شماره ۲۵.

۱۵. شکوهی یکتا، محسن و همکاران، (۱۳۹۳)، اثربخشی آموزش مهارت حل مسئله بر استرس و سبک فرزندپروری والدین، دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی، سال سوم، شماره ۵۷.
۱۶. صفاری‌نیا، مجید، (۱۳۸۹)، روان‌شناسی اجتماعی در تعلیم و تربیت، تهران، دانشگاه پیام نور.
۱۷. طبرسی، حسن بن فضل، (۱۳۷۰)، مکارم الأخلاق، قم، شریف رضی، قم، چاپ چهارم.
۱۸. طریحی، فخرالدین، (۱۳۷۵)، مجمع البحرین، تهران، مرتضوی.
۱۹. فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۱۰)، العین، قم، هجرت.
۲۰. قدسی، علی محمد و قائمی، مرتضی، (۱۳۹۳)، بررسی سبک‌های فرزندپروری با سبک فرزندپروری امام علی (علیه السلام) در نامه سی و یکم نهج البلاغه، فصلنامه پژوهشنامه نهج البلاغه، سال دوم، شماره هشتم.
۲۱. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷)، الکافی، تهران، دار الکتب الإسلامیه.
۲۲. لورا برک، (۱۳۹۴)، روان‌شناسی رشد؛ از لقاح تا کودکی، ترجمه یحیی سید محمدی، تهران، نشر ارسباران.
۲۳. لیثی واسطی، علی بن محمد، (۱۳۷۶)، عیون الحکم و المواعظ (للثی)، قم، دارالحديث.
۲۴. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳)، بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۲۵. مصباح یزدی، محمدتقی، (۱۳۷۳)، خودشناسی برای خودسازی، قم، مؤسسه امام خمینی (ره).
۲۶. مفید، محمد بن محمد، (۱۴۱۳)، الاختصاص، قم، المؤتمر العالمی لألفية الشيخ المفید.
۲۷. نوری، میرزاحسین، (۱۴۰۸)، مستدرک الوسائل، بیروت، مؤسسه آل‌البيت (علیهم السلام) لإحياء التراث.
28. Bandura, A., & Bussey, K. (2004). On broadening the cognitive, motivational, and sociostructural scope of theorizing about gender development and functioning. *Psychological Bulletin*, 130, 691-701.
29. Baumrind, D. (1991). Effective parenting during the early adolescent transition. In P. E. Cowan & E. M. Hetherington (Eds), *Family transitions: Advances in family research* (vol. 2, pp. 111-163), Hillsdale, NJ: Erlbaum.
30. Bornstein, M. (Ed.). (2002). *Handbook of parenting: Vol. 3. Being and becoming a parent* (2nd Ed.). Mahwah, NJ: Erlbaum.
31. Denita, M. R., Elizabeth, C., & William, J. R. (2005). Behavioral parent training as a treatment for externalizing behaviors and disruptive behavior disorders: a Meta-analysis. *School Psychology Review*, 34, Issue 3.
32. Feist, Jess and G. J. Feist. (2006). *Theories of personality*. Boston: McGraw-Hill.
33. Han, Y. S., (2006). Chronicity of Maternal Depression, Child-Rearing Beliefs, and Child Problematic Behaviors at 54 Months. M. S., The University of Texas at Dallas.
34. Kawabata, Y (2011). Maternal and paternal parenting styles associated in children and adolescents A conceptual analysis and meta-analytic review, *Developmental Review* 31, 240-278.
35. Kusterer, K. D. (2009). Impact of Parenting styles on Academic Achievement.

Parenting style Involvement. Personallity and peer orientation. A Doctoral Dissertation Presented to the Graduate Faculty of the Department of Pscology for the Degree of Doctor of Philosophy in clinical Psychology Lang Island Unicersity .

36. Regalado, M. , Sareen, H. , Inkelas, M. ,Wissow, L. S. , & Halfon, N. (2004). Parents'discipline of young children: Results from the National Survey of Early Childhood Health. Pediatrics, 113, 1952-1958 .
37. Santrock, John W. (2011) Life-span development , Published by McGraw-Hill, an imprint of The McGraw-Hill Companies Avenue of the Americas, New York. Schaufeli, W. B .
38. Sternberg, J. R. (2011). A review of the relationship among parenting practices, parenting style, and adolescent school achievement. Educational Psychology Review, 17, 120-146 .
39. Wilmshurst, L. (2005). Essentials of child psychopathology. New Jersey: John Wiely & Sons, Inc .
40. Zang, R. B. (2011). An investigation of maternal personality styles and subjective well-being, personality and individual differences, 44, p. 589 .

